

رویکرد اساسی برای اصلاح قانون تجارت

تهیه و تنظیم: رضا پاکدامن

۱- مقدمه:

شدید قانون تجارت و سایر قوانین تجاری با واقعیت‌های بازار بوده‌ایم. بالاخره موضوع ضرورت اصلاح قانون تجارت در مرداد ۱۳۸۱ به تصویب هیأت وزیران رسید و وزارت بازرگانی به عنوان مسئول اصلی بازنگاری قانون تجارت تعیین گردید. در همین رابطه، این مقاله در نظر دارد رویکردی اساسی در مورد اصلاح قانون تجارت را مطرح سازد.

بحث اصلاح قوانین مختلف اقتصادی تقریباً به موضوعی دایمی در کشور ما تبدیل شده است، و همین موضوع وقت بسیار گران‌بهای جامعه کارشناسی و همچنین دستگاه‌های تضمین‌گیری در دولت و مجلس شورای اسلامی را به خود اختصاص می‌دهد. ولی متأسفانه در بسیاری از موارد، تولید نهایی این زحمات، جوابگوی نیازها نبوده و معمولاً دو اتفاق روی می‌دهد:

۲- ضرورت یا عدم ضرورت اصلاح قانون تجارت

اولین سؤالی که ضرورت دارد در آغاز هر گونه اقدامی راجع به اصلاح هر قانونی مطرح شود، در مورد ضرورت اصلاح آن است.

الف - مسکوت ماندن موضوع اصلاح قانون موردنظر بعد از سال‌ها فعالیت کارشناسی،
ب - تصویب قانون جدیدی که در کوتاه‌مدت نقایص آن و عدم جوابگویی آن به نیازهای اساسی مشهود می‌گردد.

شاید این سؤال به نظر اکثر افراد ساده و حتی کم‌ارزش جلوه کند. لیکن به دلیل بی‌توجهی به همین سؤال ساده در مورد اصلاح اکثر قوانین، مشکلات زیادی در فرآیند تنظیم و حتی پس از تصویب پدید می‌آید. به اعتقاد نویسنده، در بسیاری از موارد، متن فعلی قوانین اقتصادی از ساختار مناسبی برخوردار می‌باشند و اقداماتی که مثلاً در مورد پیش‌نویس قانون جدید نظام صنفی و پیش‌نویس قانون جدید امور گمرکی طی چند سال اخیر برای تغییرات اساسی صورت گرفته است، نه تنها نقص‌های قوانین فعلی مرتفع نگردیده است، بلکه نقاط قوت قوانین مزبور نیز کمرنگ شده‌اند.

اصولاً نابسامانی اقتصادی در کشور، معلول همین «نابسامانی در نحوه تنظیم و تصویب قوانین اقتصادی» است. در این راستا، ضرورت دارد به «مدیریت تنظیم قوانین و مقررات اقتصادی» با رویکرد استراتژیک نگریسته شود. زیرا احساس می‌گردد در بسیاری از موارد، روحیه و روش «مدیریت کارگاهی» بر فرآیند تنظیم این گونه قوانین تجاری و اقتصادی حاکم است. در صورتی که لزوم حاکمیت «مدیریت ستادی» در این فرآیند کاملاً جدی است.

در مورد قانون تجارت نیز به اعتقاد نویسنده، به جای نگارش مجدد قانون تجارت جدید، باید رویکرد کلان‌تری نسبت به موضوع اتخاذ کرد. زیرا ساختار قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ براساس نیازهای جامعه

بحث اصلاح قانون تجارت (مصوب ۱۳۱۱ با اصلاحات بعدی) نیز برای سالیان متمادی در کشور ما مطرح بوده است و طی این دوره، تجارت با سرعت زیاد در حال تغییر و تحول بوده و هیچ‌گاه در انتظار اصلاح قوانین نامانده است. نتیجتاً شاهد پدیده‌های منفی در اقتصاد کشور ناشی از فاصله

این قانون به موضوعات تجاری متنوعی می‌پردازد و برخلاف اکثر قوانین جاری کشور، صرفاً یک موضوع خاص را مورد توجه قرار نداده است.

مشکل اساسی در اصلاح این قانون با ساختار فعلی از همین نقطه شروع می‌شود، زیرا هر یک از موضوعات مستقل مورد توجه این قانون، طی سال‌های متمادی گذشته خود دارای قوانین خاص و مختص خود گردیده‌اند و هر گونه تغییری در مواد مربوط به این موضوعات باید منطبق با قوانین مزبور باشد و از آنجایی که این قوانین بسیار پراکنده و متعدد هستند، اعمال کلیه این مقررات در قانون تجارت، کاری بسیار سخت و شاید غیرعملی باشد.

بر همین اساس، پیشنهاد نویسنده این است که به جای اصلاح مواد قانون تجارت و تکمیل آنها بر اساس قوانین خاص جاری، بهترین روش، ادغام مواد این قانون در قوانین مختص به خودشان می‌باشد.

۴- قوانین خاص ناظر بر مواد قانون تجارت

نظر به این که بررسی تک تک مواد قانون تجارت، کاری است بسیار سنگین که زمان زیادی را به خود اختصاص خواهد داد، لذا در این مقاله صرفاً بر اساس بخش‌های شانزده‌گانه قانون تجارت، موضوع انطباق مواد قانون تجارت با قوانین تجاری دیگر را پیگیری می‌کنیم.

الف - قانون نظام صنفی

به نظر نویسنده، موضوعات باب‌های زیر از قانون تجارت مستقیماً با فعالیت‌های صنفی مرتبط بوده و ضرورت دارد مواد این باب‌ها با قانون نظام صنفی مطابقت داده شود و چنانچه بخش‌هایی از این مواد قبلاً در قانون نظام صنفی دیده نشده‌اند، در قانون نظام صنفی اعمال و در غیر این صورت، مواد این باب‌ها از قانون تجارت نسخ گردند.

تجاری ۷۰ سال قبل ایران تنظیم گردیده که برای زمان خود و حتی سالیان متمادی بعد از آن، کاری بسیار ارزشمند کارشناسی می‌باشد.

لیکن در حال حاضر، وضعیت جامعه تجاری ایران به میزان قابل توجهی دگرگون شده است و لذا ضرورت دارد ساختار قانون مزبور نیز با این وضعیت منطبق گردد. بنابراین هر گونه اقدامی برای اصلاح قانون تجارت بر همان ساختار قبلی، اقدامی بی‌حاصل خواهد بود.

۳- ساختار قانون تجارت

ساختار قانون تجارت فعلی بر ۱۶ بخش (باب) بنا نهاده شده است که به نظر می‌رسد طراحان قانون تجارت در ۷۰ سال قبل سعی داشته‌اند با پوشش دادن عمده‌ترین فعالیت‌های تجاری جامعه، یک «قانون مادر» برای فعالیت‌های تجاری در ایران ارائه دهند.

۱۶ بخش (باب) این قانون عبارتند از:

- ۱- تجار و معاملات تجاری
- ۲- دفاتر تجاری و دفتر ثبت تجاری
- ۳- شرکت‌های تجاری
- ۴- برات، فته طلب، چک
- ۵- اسناد در وجه حامل
- ۶- دلالی
- ۷- حق‌العمل کاری (کمیسیون)
- ۸- قرارداد حمل و نقل
- ۹- قائم‌مقام تجاری و سایر نمایندگان تجاری
- ۱۰- ضمانت
- ۱۱- در ورشکستگی
- ۱۲- در ورشکستگی به تقصیر و ورشکستگی به تقلب
- ۱۳- در اعاده اعتبار
- ۱۴- اسم تجاری
- ۱۵- شخصیت حقوقی
- ۱۶- مقررات نهایی

همان گونه که از عنوان‌های بخش‌های شانزده‌گانه قانون تجارت مشاهده می‌شود،

۲۰۰ ماده کلاً تغییر کرده است، معهذا کماکان مواد مربوط به شرکت‌های سهامی (مصوب ۱۳۱۱) کماکان در مجموعه قانون تجارت حفظ شده‌اند و این موضوع غالباً موجب استنباط متفاوت از مقررات حاکم در رابطه با شرکت‌های سهامی و حتی سایر انواع شرکت‌های تجاری می‌نماید.

به نظر نویسنده، جامعه تجاری کشور ما شدیداً نیازمند تنظیم قانون مستقلی راجع به امور شرکت‌ها می‌باشد. در اغلب کشورهای توسعه یافته نیز این چنین قانونی وجود دارد. از جمله می‌توان به قانون شرکت‌ها (Companies Act) مصوب ۱۹۸۵ انگلستان اشاره کرد.

باب‌های مشروحه ذیل از قانون تجارت قابل انتقال به قانون جدید امور شرکت‌ها می‌باشد. اگرچه مواد این باب‌ها بعضاً دارای نقایص و ایراداتی می‌باشند که نویسنده در سلسله مقالات مربوط به آشنایی با مقررات شرکت‌های تجاری طی دو سال اخیر در همین ماهنامه به آنها اشاره کرده است:

ج-۱- باب دوم - دفاتر تجاری و دفتر ثبت تجاری

ج-۲- باب سوم - شرکت‌های تجاری

ج-۳- باب پانزدهم - شخصیت حقوقی

ج-۴- نهم - قائم مقام تجاری و سایر نمایندگان تجاری

د - قانون امور ورشکستگی

امور ورشکستگی از موضوعات خاص مطرح در قانون تجارت است که در دو باب زیر به طور مفصل از مواد ۴۱۲ لغایت ۵۷۵ به آن اختصاص یافته است:

د-۱- باب یازدهم - در ورشکستگی

د-۲- باب دوازدهم - در ورشکستگی به تقصیر و ورشکستگی به تقلب

د-۳- باب سیزدهم - در اعاده اعتبار

در رابطه با این مواد، چند نکته به نظر می‌رسد: اولاً برخی از مواد این بخش از قانون تجارت به نظر می‌رسد به طور ضمنی و یا صریح نسخ شده است و یا حداقل توسط دادگاه بر اساس آن حکم صادر نمی‌شود. از جمله ماده ۵۶۲ مقرر می‌دارد:

الف-۱- باب ششم - دلالتی

الف-۲- باب هفتم - حق العمل کاری

الف-۳- باب هشتم - قرارداد حمل و نقل

الف-۴- باب چهاردهم - اسم تجاری

الف-۵- باب اول - تجار و معاملات تجاری

(موضوعات این باب بعضاً مرتبط با قانون نظام صنفی است، اگرچه محور اصلی این باب، تفکیک فعالیت‌های تجاری از فعالیت‌های غیرتجاری است، به نظر می‌رسد در حال حاضر این تفکیک عمدتاً در رابطه با اخذ مالیات بر درآمد موضوعیت داشته و در قالب «قانون مالیات‌های مستقیم» قابل طرح است.)

ب - قانون اوراق بهادار

باب‌هایی از قانون تجارت ناظر بر «جنبه‌های مالی» فعالیت‌های تجاری می‌باشند، لذا بهتر است مواد این باب‌ها در قانون جدید اوراق بهادار ادغام شوند. خصوصاً این که مواد ۳۱۰ لغایت ۳۱۹ قانون تجارت راجع به چک می‌باشد که بخش اعظم آن به موجب قانون صدور چک نسخ شده است. لذا اساساً درج این مواد منسوخ در قانون تجارت (که متأسفانه در کلیه چاپ‌های قانون تجارت به طور کامل درج می‌شوند)، نیز از لحاظ حقوقی دارای ایراد است.

مواد این باب‌ها به همراه مقررات دیگر راجع به سایر اوراق بهادار از جمله اوراق مشارکت که در حال حاضر به صورت گسترده مورد مبادله هستند، می‌توانند ساختار اصلی یک «قانون اوراق بهادار» را تشکیل دهند.

باب‌های موردنظر از قانون تجارت عبارتند از:

ب-۱- باب چهارم - برات، فته طلب - چک

ب-۲- باب پنجم - اسناد در وجه حامل

ج - قانون امور شرکت‌ها

بخش قابل توجهی از قانون تجارت به موضوعات مرتبط با فعالیت شرکت‌های تجاری اختصاص یافته است. وضعیت درج این مواد نیز در حال حاضر گمراه‌کننده می‌باشد. زیرا اگرچه به موجب «لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت» (مصوبه ۱۳۴۷) مواد مرتبط با شرکت‌های سهامی مشتمل بر

۵- نتیجه‌گیری

قانون تجارت در قالب و محتوای فعلی نه تنها با شرایط فعلی جامعه تجاری بین‌المللی، بلکه با شرایط فعلی جامعه تجاری ایران نیز مطابقت ندارد، زیرا بسیاری از موضوعات در ارتباط مستقیم با تجارت را پوشش نمی‌دهد.

از جمله بازرگانی خارجی که در حال حاضر تحت پوشش قانون مقررات صادرات و واردات می‌باشد. همچنین تجارت الکترونیکی نیز یکی از مباحث مهم در تجارت امروز جهان می‌باشد که جایگاه آن در قانون تجارت روشن نشده است.

اگرچه پیش‌نویس قانون تجارت الکترونیکی توسط یکی از دستگاه‌ها تهیه گردیده، لیکن بر این پیش‌نویس ایرادات متعددی وارد بوده که نگارنده قبلاً طی سلسله مقالاتی به آنها اشاره کرده است.

همچنین بخش‌های مختلف قانون تجارت در حال حاضر دارای قوانین مختص به خود می‌باشند و لذا در بسیاری از این موارد این بخش‌ها اساساً نسخ شده‌اند و حضور آنها در قالب قانون تجارت فقط موجب ابهام و تردید در مورد قانون حاکم خواهد شد.

لذا اساساً قانون تجارت با این ساختار فعلی نمی‌تواند مبنای مناسبی بر اصلاح و تکمیل قرار گیرد و به نظر نویسنده، به جای داشتن یک قانون تجارت ناقص، بهتر این است که قوانین خاص هر موضوع با استفاده از مواد این قانون تکمیل گردیده و سایر مواد زائد و منسوخه از دایره قوانین کشور حذف گردند.

در همین راستا پیشنهاد می‌گردد ضمن انتقال مواد ذی‌ربط در قانون تجارت به قانون نظام صنفی و قانون مدنی، قوانین مستقل زیر نیز با استفاده از مواد این قانون و سایر قوانین ذی‌ربط تدوین گردد.

- الف - قانون امور شرکت‌ها
- ب - قانون اوراق بهادار
- ج - قانون امور ورشکستگی

«طلبکارها نمی‌توانند از جهت تأخیری که در اداء طلب آنها شده است، برای بیش از پنج سال مطالبه متفرعات و خسارت نمایند و در هر حال متفرعاتی که مطالبه می‌شود، در سال نباید بیش از صدی هفت طلب باشد.»

ثانیاً مجری اصلی این بخش از قانون تجارت، دستگاه قضایی است. مضافاً این که مواد مربوط به ورشکستگی به تقصیر یا تقلب جنبه کیفری نیز دارد.

ثالثاً در رابطه با امور ورشکستگی قوانین دیگری در حال حاضر نافذ و مجری است، از جمله:

- ۱- قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی (مصوب ۱۳۱۸)
- ۲- قانون طرز استفاده از درآمد صندوق‌های «الف» و «ب» اداره کسل تصفیه امور ورشکستگی (مصوب ۱۳۴۴)
- ۳- موادی از قانون امور حبسی (مصوب ۱۳۱۹)
- ۴- موادی از قانون آیین دادرسی مدنی (مصوب ۱۳۸۰)

لذا پیشنهاد نگارنده این است که این سه بخش مفصل از قانون تجارت به انضمام مقررات تکمیلی قوانین فوق‌الذکر در قالب یک قانون مستقل «امور ورشکستگی» ادغام گردند.

هـ - سایر مواد

به جز مقرراتی از قانون تجارت که فوقاً ارتباطشان با سایر قوانین تشریح گردید، دو باب دیگر از قانون تجارت باقی می‌ماند که عبارتند از:

هـ - ۱- باب دهم - ضمانت

هـ - ۲- باب شانزدهم - مقررات نهائی

در مورد مقررات مربوط به ضمانت، قانون مدنی دارای مقررات دقیق‌تر و کامل‌تری می‌باشد که به منظور پرهیز از تعارض قوانین و اختلاف نظر در تفسیر مواد مربوط به آن، بهتر است مقررات ضمانت در قانون تجارت در قانون مدنی ادغام گردد.

همچنین مقررات نهائی قانون تجارت، دارای مقررات پراکنده در مورد باب‌های مختلف این قانون بوده‌اند که حسب مورد قابل ادغام در این باب‌ها یا نسخ می‌باشند.

